

## عنوان مقاله:

شناخت مبانی فلسفی نظریه همکاری بارنارد با رویکرد کارکردگرایی

## محل انتشار:

پنجمین همایش بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

## نویسنده:

سجاد باباخانی - دانش آموخته دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی تهران

## خلاصه مقاله:

این پژوهش به منظور بررسی هستی شناختی، معرفت شناختی، ماهیت انسانی و روش شناسی نظریه همکاری بارنارد می باشد. مکتب تعاونی چستر بارنارد (سیستم های تعاونی بارنارد) جزء نظریه های طبیعی، الگوی طبیعی بسته (۱۹۳۰-۱۹۶۰ می باشد. ۵۳ درصد نظریه های سازمانی در چهارچوب پارادایم کارکردگرایی است. و نظریه همکاری بارنارد نیز جزء پارادایم کارکردگرایی می باشد. در این تحقیق از کلیه ی منابع اسناد، مدارک، کتب، مقالات، مجلات و پژوهش هایی که انجام شده. به روش مطالعه کتابخانه ای و فیش های تحقیقاتی و چک لیست انجام پذیرفته است. بارنارد بر همکاری (تعاون) تاکید می کرد. تمایل افراد در جهت مشارکت در سیستم تعاون برای موفقیت سازمان ضروری است. این رویکرد نظری دارای پیش فرضهای هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی و روش شناسی مختص به خود است. پیش فرض های مهم نظریه همکاری بارنارد عبارتند از: هستی شناسی: واقعیت گرایی، معرفت شناسی: اثبات گرایی، انسان شناسی: اختیار گرایی نسبی یا حد وسط جبرگرایی و اختیارگرایی، روش شناسی: قانون بنیاد.

## کلمات کلیدی:

نظریه همکاری بارنارد، هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی و روش شناسی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1646861>

